

## کتابخانه

**علامه شیخ عبدالحسین امینی واگویه‌کننده حیات شهیدان شیعه**

## منادی جان باختگان راه فضیلت

■ **نیما احمدپور**

آیت‌الله عبدالحسین امینی معروف به علامه امینی، عالم، مورخ، محدث، متکلم، فقیه، نسخه‌شناس بزرگ شیعه و صاحب کتاب سترگ «الغدیر»، علاوه بر آثار علمی بزرگ کتابخانه عظیمی با ۷۰هزار نسخه خطی را در نجف پایه‌گذاری کرد. وی در سال ۱۲۷۸ش در تبریز دیده به جهان گشود. در همان شهر مقدمات علوم را آموخت و سپس به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و در زمره عالمان بزرگ روزگار خود بود. وی در سال ۱۳۴۹ش و در حالی که بنیهای قوی و بدنی سالم داشت، به ناگاه دچار بیماری شد و از دنیا رفت. بسیاری رحلت او را ناشی از مطالعه زیاد، اشتغال بی‌وقفه به نگارش و پیگیری دائمی کار کتابخانه بزرگ امیرالمؤمنین(ع) دانسته‌اند.

اما آنچه در این نوشتار بررسی خواهد شد، کتاب «شهداءالفضیله» از این محقق فرهیخته است. در فضیلت و ارجمندی این کتاب همین بس که علامه شیخ آقابزرگ الیقین و جمال ملت و دین« خواند و آیت‌الله‌سیدابوالحسن اصفهانی، مرجع‌اعلای شیعه و آیت‌الله‌حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله‌محمدحسین غروی اصفهانی نیز در تأیید این کتاب مطالبی را مرقوم داشته‌اند. می‌توان گفت که تقدیر و تجلیل از این کتاب، در حوزه علمیه نجف کم‌سابقه بوده است. برخی معتقدند علامه امینی کتاب «شهداءالفضیله» را در پاسخ به کتاب «الوشیعه فی نقد عقائدالشیعه» موسی جال‌الله – که در کتاب خود مدعی شده بود شیعه اصول اعتقادی صحیح و کتابی درباره اسلام ندارد و شهیدی در راه اسلام ن داده- نوشته است. این کتاب در سال ۱۲۹۳ش منتشر شده و حاوی زندگی‌نامه ۱۳۰ تن از عالمان شیعه از قرن چهارم تاچهاردهم هجری است که به شهادت رسیدند. با مروری بر تاریخ شیعه درمی‌یابیم هیچ‌ضحی‌ای از این تاریخ نیست که با خون بزرگانی رنگین نشده باشد و سراسر تاریخ شیعه حکایتگری غیرتمندان مقوامی است که با‌اتکا به ایمان راه خونین کرپل‌ارا ادامه داده‌اند.

علامه امینی این عالم مجاهد،مصلح و غیور پیش از آنکه دست به تألیف اثر گرانبستگ «الغدیر» بزند، با نیت به تماشا گذاشتن عالمان و مصلحان شهید در منظر جامعه کتاب «شهداءالفضیله» را به رشته تحریر در آورد. استاد



علامه شیخ عبدالحسین امینی

محمد خلیل الزین عالمی، صاحب کتاب «تاریخ جبل عامل» در مقدمه مفصلی که بر کتاب «شهداءالفضیله» نوشته خاطر‌نشان ساخته است که: «مؤلف این کتاب، تاریخ اسلام را بر اساس روش‌های نوین پژوهشی، بررسی و حقایق اساسی و حوادث راست را به خواننده عرضه کرده و بدین وسیله توانسته بی‌اعتمادی جوانان تحصیل‌کرده به بسیاری از مسائل تاریخی را از بین ببرد. متأسفانه بسیاری از مورخان، تاریخ را به‌ زعم خود بازخوانی می‌کنند و مسیر حوادث را به‌گونه‌ای توصیف می‌کنند که نهایتاً تأثیر مثبتی روی مخاطب ندارد! به همین دلیل هم مخاطبان به این دست از آثار علاقه‌ای نشان نمی‌دهند و به سوی آثار شرق‌شناسان غربی روی می‌آورند که کمترین ضرر‌رسان، نوشتن تاریخ خود ما توسط بیگانگان است که قطعاً از غرض‌ورزی خالی نخواهد بود. از جمله کتاب‌هایی که نویسنده دقیق و منصف آن سعی کرده است جز حقایق را ننویسد و موجب گمراهی مخاطب نشود، کتاب «شهداءالفضیله» که در عداد بهترین آثار در این زمینه است. شاید در ابتدای امر چنین به نظر نرسد که عالمان شهید شیعه زیاد باشند، زیرا آنان مردان عرصه اندیشه، قلم و وعظ هستند و کمترین ضرر‌رسان، نوشتن تاریخ خود ما این‌اثر از دشمنان علامه امینی نشان می‌دهد این برداشت درستی نیست. مؤلف به شرح حال علمای شهید شیعه از قرن چهارم هجری پرداخته و درباره علمای سه دهه اول هجری، سخنی نگفته است. مؤلف علت آن را این‌گونه توضیح می‌دهد که: «شرح حال علمای شهید سه دهه اول هجری، در بسیاری از کتاب‌ها و فرهنگ‌ها آمده است. در این کتاب شرح حال برخی از شهیدان مشهور شیعه نیز که به «عالم» شهرت نداشته، اما جزو شخصیت‌های فاضل بوده‌اند، آورده شده است.»

کتاب «شهداءالفضیله» در زمره آثار معتبر، غنی و موثق و از همین رو کتاب مرجع بسیاری از پژوهشگران و محققین اهل فن، از جمله «خیرالدین زرکلی» بوده است. «شهداءالفضیله» نخستین‌بار در سال ۱۳۱۳ش در نجف چاپ شد و بسیاری از علمای بزرگ نجف برای تشویق مؤلف جوان آن، وی را «علامه» لقب دادند. چاپ دوم کتاب در سال ۱۳۵۱ در قم منتشر و سه مقاله «بعد مغالط الطالبین» نوشته دکتر توفیق الفکیکی البغدادی، «طبقات الکبری» و «شرح حال علمای شهیدان شیعه» عالم و محقق شیعی لبنانی و «مع الافلاک» به آن افزوده شد. این اثر تا هم اینک نیز از مراجع اهل تحقیق و پژوهش در موضوع اوست که شمار می‌رود.

آیت‌الله آقاجنغی اصفهانی در کنار برادرش و برخی اطرافیان و یاران در اصفهان

## تاریخ

کفتدوگو۹۹۸۴۹۷۹



**آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی** نمادی از اقتصاد مقاومتی در تاریخ معاصر ایران

## در تکاپوی استقلال

■ **احمدرضا صدیقی**

عالم مجاهد و پرآوازه، آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی معروف به «آقاجنغی»، در بین علمای دوره قاجار به دو دلیل از جایگاه ممتاز و برجسته‌ای برخوردار است: تلاش برای ممانعت از ورود شرکت‌های تجاری خارجی به ایران و تلاش برای تقویت تولیدات داخلی در قالب تأسیس «شرکت الاسلامیه». به تعبیری شاید بتوان ایشان را یکی از نخستین افرادی برشمرد که اقتصاد مقاومتی به معنای مَدُنظر مقام معظم رهبری را مطرح کرد و بر اجرای آن پای فشرد. آیت‌الله آقاجنغی اصفهانی در خاندانی عالم و سرشناس در اصفهان یا به عرصه

گیته نهاد. پدر ایشان صاحب تألیفات ارزشمندی چون «هدایه المسترشدین» و مجتهد زمان خود بود. آقاجنغی در ابتدا علاقه چندانی به تحصیل علوم دینی نداشت، اما به‌تدریج راه نیاکان خویش را در پیش گرفت و با تلاش و سعی فراوان به جایگاه رفیعی رسید و تألیفات ارزشمندی را در زمینه فقه و مسائل اقتصادی و اجتماعی مسلمانان بر جای نهاد. آقاجنغی همراه با برادر کوچک‌ترش حاج آقا نورالله، در مبارزه علیه استبداد قاجاری و تلاش برای ایجاد نوعی «اقتصاد درون‌زا» تلاش‌های فراوانی کردند. ایشان در زمره شاگردان مستقیم میرزای شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو بود. اکثر شاگردان میرزا

### دوران جوانی

**آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمد تقی نجفی اصفهانی** معروف به «**آقاجنغی**»، در بین علمای دوره قاجار به دو دلیل از جایگاه ممتاز و برجسته‌ای برخوردار است: تلاش برای ممانعت از ورود شرکت‌های تجاری خارجی به ایران و تلاش برای تقویت تولیدات داخلی در قالب تأسیس «شرکت الاسلامیه»

تربیت شاگردان میزز و عالم در کنار کارهای تألیفی و پژوهشی ارزشمند مهم‌ترین ویژگی ایشان که وی را از همه علمای دوره خود و بلکه دوران‌های بعدی متمایز می‌سازد، تلاش برای تحقق اقتصادی بود که امروزه در «اقتصاد مقاومتی» مقام معظم رهبری به کمال رسیده است. مقابله با ورود کالاهای خارجی و حمایت از تولیدات داخلی برجسته‌ترین وجوه برنامه اقتصادی پیشنهادی آقاجنغی به شمار می‌رود. آقاجنغی در زمینه اقتصاد درون‌زا معتقد بود؛ باید ممانعت از کالاهای خارجی و استفاده از همه امکانات داخلی برای تولید کالاهای مرغوب و مورد نیاز جامعه را هم‌زمان پیش برد. بدیهی است این‌گونه تفکرات و اقدامات منافع حاکم اصفهان، ظل‌السلطان را که مستقیماً از انگلیس رشوه می‌گرفت به خطر انداخت و با دستور ارباب تصمیه گرفت فشارها را بر آقاجنغی زیاد و عرصه را بر او تنگ کند، با این همه این عالم فقیه توانست با کمک برادر خود اغلب علمای برجسته اصفهان را با تفکر حمایت از تولید داخلی و مقابله با واردات خارجی همراه و حکم تحریم کالاهای خارجی را بر اصفهان صادر کند. دیگر علمای اصفهان هم به دنبال این حکم فتواهایی را برای تحریم کالاهای خارجی و تشویق مردم به استفاده از کالاهای داخلی صادر کردند.

این حرکت هماهنگ و مؤثر سبب شد ظل‌السلطان، ناصرالدین‌شاه و دولت انگلیس به این نتیجه برسند که به هر شکل ممکن جلوی فعالیت‌های آقاجنغی را بگیرند و ایشان را به تهران منتقل کنند، اما این اقدام نه‌تنها ایشان را از ادامه تلاش‌هایش باز نداشت، بلکه در تهران هم به تربیت شاگردانی مبارز و عالم همت گماشت و این بار نوک پیکان حمله خود را متوجه حکومت مرکزی کرد و همین امر باعث شد مجدداً ایشان را به اصفهان بازگردانند.

### دوران جوانی

**هنگامی که سعودی‌ها بر حجاز مسلط شدند**، با توجه به پیوند فکری و عقیدتی با محمد بن عبدالوهاب همه آثار و بناهای روی قبرستان بقیع را خراب کردند! آنها ابتدا بخشی از بناهای قبرستان بقیع را ویران کردند سپس از آنکه کاملاً بر حجاز مسلط شدند، به تخریب بناها و آثار و گنبدها پرداختند و اشیای گران‌قیمت داخل آنها را به غارت بردند

مردم انجام شده بود، لذا بلافاصله پس از صدور اعلامیه و نظر خواهی، همه گنبد و زیارتگاه‌ها در مدینه و اطراف آن ویران شدند.

حتی گنبدانمه(ع) در بقیع و قبر عباس عموی پیامبر(ص) را که در کنار آنها بود، ویران کردند و صندوق‌ها و ضریح‌هایی را که روی قبرها قرار داشتند از بین بردند و از این زیارتگاه‌ها جز تل خاکی برج‌ا نگذاشتند.

از جمله آثاری که از بین رفتند می‌توان به گنبد مرقد عبدالله و آمنه، پدر و مادر پیامبر(ص)، مزار همسران پیامبر(ص)، قبر عثمان بن عفان، اسماعیل پسر امام صادق(ع) قبر مالک و خازنه همه مزارهای مدینه و اطراف آن را خراب کردند؛ پیش از این هم قبر حمزه عموی پیامبر(ص) و قبور شهدای احد را در بین برده و منسخت خاک بر جا گذاشته بودند.

قابل ذکر است تا پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه مردم آن شهر مرده‌های خود را در دو قبرستان «بنی‌سالم» و «بنی‌حرام» و گاهی هم در خانه‌های خود دفن می‌کردند، اما با هجرت مسلمانان به مدینه بقیع تبدیل به تنها قبرستان مردم مدینه شد و با دفن اجساد اصحاب پیامبر(ص) و نیز همسران و دختران و فرزندان آنان و اهل‌بیت(ع) این قبرستان اهمیت خاصی پیدا کرد و قبرستان‌های دیگر به صورت متروکه در آمدند. این قبرستان با وجود ۱۰ هزار تن از شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام در واقع یک گنجینه تاریخی است که متأسفانه با تعصب و انحراف حکام آن دیار سه ویرانه‌ای تبدیل شده است.

## پیش‌گروان

**«باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران» به روایت یک اثر نوانتشار**

■ **رضا بیگدلو**



باستانگرایی پدیده‌ای است که از اواخر دوران قاجار در عرصه فرهنگ، اجتماع و سیاست جامعه ایرانی پدیدار شد و طی چندین دهه به عنوان یکی از چالش‌های مهم فکری و فرهنگی جامعه ایرانی دهن بسیاری از روشنفکران، نویسندگان، ادیبان، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران را به خود مشغول کرده‌است. بررسی علل به وجود آمدن این پدیده و ریشه‌های فکری سیاسی و اجتماعی آن و نیز چگونگی سیر آن در مراحل زمانی موضوع اثری است که از آن سخن می‌رود. با اینکه این موضوع بیشتر در حیطه فرهنگی قرار دارد تا سیاست

و قبل از آنکه یک جریان تاریخی صرف محسوب شود گرایش در عرصه فرهنگ و اجتماع است، اما تأثیر تاریخی و سیاسی قابل توجهی داشته و تاریخ قبل از هر چیز سیر اندیشه‌ها، تحولات و تطور آن است. باستان‌گرایی به عنوان یک پدیده مهم فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن قدر که سزاوار است بررسی و تحلیل شده و علل به وجود آمدن و زمینه‌های مختلف آن چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اهمیت موضوع و جای خالی پژوهش‌های مستند تاریخی در این زمینه در این کتاب به بررسی آن پرداختیم. محدوده زمانی بررسی‌ای از دوره ناصری یعنی زمانی که اولین زمزمه‌های این جریان شروع شد، تا اواخر دوره رضاشاه را در بر می‌گیرد. البته این جریان در دوره پهلوی دوم ادامه یافت و به اوج خود که همان جشن‌های ۲۵۰۰ ساله باشد منتهی می‌شود که امید است پژوهشگران دیگر بدان بپردازند.

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول در علل باستان‌گرایی که اولین فصل آن به جریان پی‌جویی علت عقب‌ماندگی ایران از علم و تمدن جهانی توسط روشنفکران اختصاص داده شده است که می‌توان همین جریان را زمینه و علت اجتماعی و ذهنی این پدیده محسوب کرد. نیز به مسائلی که افکار روشنفکران ایرانی در برخورد با تمدن غربی متوجه آنها شده و به بررسی اندیشه‌ساز تن آن‌ها پرداختن و تئور یسین‌های باستان‌گرایی پرداخته شده است. در فصل دوم به تأثیرات غرب و تحولات آن به‌ویژه رنسانس بر این گرایش ایرانیان به تاریخ باستان‌ا خوش اشاره شده است و فصل سوم به ناسیونالیسم و رابطه آن با باستان‌گرایی اختصاص دارد و نیز این بحث که چگونه این ایده اروپایی هنگامی که وارد ایران شد، یکی از علت‌های گرایش ایرانیان به مقطعی از تاریخ خویش شد. فصل چهارم به بررسی شرق‌شناسی، مبانی آن و تأثیراتی که بر گرایش ایرانیان به تاریخ قبل از اسلام خویش گذاشته است می‌پردازد. در بخش دوم سیر جریان باستان‌گرایی و مراحلی که از آنها عبور کرده بررسی شده است و شخصیت‌های مهم و نیز مجلات و روزنامه‌هایی را که در ارتداد این جریان گام برداشته معرفی شده‌اند. در معرفی شخصیت‌ها و روزنامه‌ها و مراحل روند باستان‌گرایی سعی بر آن بوده است که به ترتیب و توالی مراحل زمانی توجه شود و شعرا، نویسندگان و نشریات به تفکیک ذکر نشده‌اند. مهم‌ترین هدف از این کار سعی در ارائه تصویری روشن‌تر و نشان دادن تحولات این جریان در مراحل مختلف و معرفی هر شخصیت و مجله‌ای حتی‌الامکان در فضای زمانی و مکانی خاص خودش بود. در بخش سوم و آخر کتاب به سیر این جریان در زمان پهلوی اول و چگونگی زمینه‌سازی برای این جریان برای صعود پهلوی‌ها به تخت سلطنت و چگونگی بر خوردر رضاشاه با این جریان و اقدامات او در این راستا اختصاص یافته‌است. نکته دیگری که تذکر آن لازم است بخشی از روند باستان‌گرایی در عهد پهلوی در خلال بخش دوم و نه سوم بررسی شده و این بخشی است که به صورت تقریباً غیر رسمی و جدای از تبلیغات رسمی حکومت توسط نویسندگان و روزنامه‌نگاران صورت گرفته است. در حالی که در بخش سوم صرفاً به اقدامات و تبلیغاتی پرداخته‌ام که حکومت رضاشاه بر این موضوع رسمی در جهت باستان‌گرایی انجام داده است.

## ۹ جوان ۸۸۵۵

آقاجنغی همراه با مبارزه با ورود کالاهای خارجی و تقویت تولیدات داخلی در زمینه مبارزه با استعمال دخانیات نیز نقش مؤثری را ایفا و در طول حیات اصفهان را به‌ عنوان اصلی‌ترین شهر ایران در خط مبارزه با دخانیات حفظ کرد، به‌طوری‌که ناصرالدین‌شاه در نامه‌ای خطاب به ظل‌السلطان نگرانی خود را از اقدامات علمای اصفهان علیه «عباسی خارجه و فرنگیان» و مبارزه با استعمال دخانیات و بانک‌ها اعلام کرد. یکی از اقدامات عملی و مؤثر آقاجنغی در زمینه اقتصاد مقاومتی تأسیس «شرکت الاسلامیه» است که آن را در یکی از خطبه‌های خود در مسجد جامع سلطانی اصفهان اعلام کرد. هدف از تأسیس این شرکت تشویق مردم به مصرف کالاهای ایرانی در برابر تولیدات خارجی بود. برادران نجفی اصفهانی این شیوه را تنها راه خروج اقتصاد کشور از وضعیت اسفبار خود اعلام کردند. توجه خاص آقاجنغی به مسائل اقتصادی و آثار اجتماعی و سیاسی آن به حدی بود که روزنامه «ثریا» ایشان را آغازگر تاریخ ترقی ایران معرفی کرد.

شرکت الاسلامیه فعالیت خود را تا مکزکز صنعت نساجی آغاز کرد. در ابتدا با توجه به فشار انگلیس و دربار ایران فعالیت‌های آن منحصر به تولید برخی از محصولات به صورت محدود بود، اما با استقبال خوب مردم از این شرکت تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها و حتی راه‌ان هم جزو دستور کار شرکت قرار گرفت و به‌تدریج آحاد مردم متوجه شدند فعالیت‌های این شرکت تنها به اقتصاد محدود نمی‌شود، بلکه مسائل فرهنگی و اجتماعی را هم در برمی‌گیرد. آثار مثبت فعالیت‌های شرکت الاسلامیه به‌قدری گسترش یافت که روحیه خودباوری در مردم اوج گرفت و آحاد جامعه متوجه شدند قادرند نیازهای خود را به بهترین وجه ممکن و بدون اتکا به بیگانگان مرتفع سازند. اغلب مطبوعات آن دوره، از جمله «ثریا»، «حکمت» و «جبل‌المتین» از فعالیت‌های این شرکت دفاع چنانچه‌ای کردند. میزان تولیدات شرکت الاسلامیه تا بدانجا رسید که غیر از تأمین نیازهای داخل کشور مرآزه آن به کشورهای هند، آذربایجان، مصر و روسیه هم صادر شد و برای انجام بهتر امور این شرکت در آن کشورها نمایندگی از سوی شرکت در بلاد مذکور مشغول کار شدند. انگلیس به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری دربار قاجار وجود این شرکت را برای تولیدات خود خطرناک تشخیص داد و با حمایت کامل شاه و دربار کم‌ر به نابودی شرکت الاسلامیه بست و نهایتاً هم موجبات تعطیلی آن را فراهم آورد.